

مقایسه آموزش زنان از نظر حاذقه هروی و پروین اعتصامی

زینب رحیمی^۱

زینب محبوبی^۲

چکیده

حاذقه هروی و پروین اعتصامی شاعران معاصر در محدوده زمانی نزدیک به هم بودند، اما در جامعه‌های متفاوت و با فرهنگ متفاوت زیست می‌کردند. هریک در شعرهایشان دغدغه‌های اجتماعی و نگاه انتقادی را به جامعه خود نشان داده‌اند و با بیان کاستی‌ها به توصیف شرایط موجود جامعه خویش پرداخته‌اند. از جمله دغدغه‌های این شاعران، اعتقاد به ضرورت تحول در نقش و جایگاه زن، آن هم با آموزش زنان است. اما تفاوت‌هایی در اشعار آن‌ها وجود دارد که ناشی از شرایط جامعه آنها است. حاذقه یک دختر دهقان و خودآموز بود، اما پروین اعتصامی در خانواده‌ای تحصیلکرده بزرگ شد. این باعث شده که حاذقه بیشتر از پروین به صورت جزئی به مشکلات جامعه و زنان بنگرد و بیشتر اشعار خود را در مورد زنان، به خصوص درباره آموزش زنان، بسراید. نظر به این شباهت‌ها و تفاوت‌ها، این پژوهش آموزش زنان را نزد این دو شاعر بررسی کرده است. برای انجام این پژوهش از روش مقایسه‌ای استفاده

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

zainabrahimi1313@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته اسلام‌شناسی دانشگاه رور بوخوم، (Ruhr-Universitt Bochum) آلمان، ایمیل

mahboobi.zeinab@gmail.com

شده و برای تبیین نتایج مقایسه، زمینه اجتماعی این دو شاعر موضوع مطالعه قرار گرفته است. براساس یافته‌های این پژوهش عدم توسعه اجتماعی و سیاسی در افغانستان نسبت به ایران سبب شده تا آموزش زنان نزد حاذقه هروی اولویت بیشتری نسبت به آموزش زنان در شعر پروین اعتصامی داشته باشد. ازاین‌رو هم از جهت کمیت و هم از جهت بیان مسائل مختلف بیش از پروین به آموزش زنان پرداخته است. با این حال زنان و آموزش آن‌ها از دغدغه‌های مهم هر دو شاعر بوده است. **واژگان کلیدی:** آموزش زنان، جامعه، حاذقه هروی، پروین اعتصامی، افغانستان، ایران.

مقدمه

تاریخ معاصر افغانستان و ایران شاعران بزرگ زن را به خودش دیده که از آن جمله می‌توان به پروین اعتصامی و حاذقه هروی اشاره کرد. حاذقه در سال ۱۳۰۰ش در خانواده دهقان و بی‌سواد و پروین اعتصامی در سال ۱۲۸۵ش در خانواده مرفه و باسواد متولد شدند. هرچند فاصله زمانی کمی میان این دو شاعر هست، در جامعه‌های متفاوت با فرهنگ‌های متفاوت زیستند. این باعث شد هر یک ناظر به جامعه خود شعر بسرایند. مسائلی بیشتر در شعر آن‌ها مرکز توجه قرار گرفته که پیش‌تر مورد توجه نبوده یا کمتر به آن پرداخته شده بود. یک از این مسائل، زنان و آموزش زنان بود. دغدغه اصلی این دو شاعر، بی‌سوادی زنان و تأثیر آن در جامعه است. هر دو شاعر به اصلاح ساختارهای اخلاقی جامعه، با تکیه بر دین و فرهنگ اسلامی، تأکید داشته‌اند و این باعث شده تا با نگرشی اصلاحی و دقیق، درد جامعه خویش تشخیص را دهند و برای درمان آن، علم‌آموزی را در قالب پند و اندرز تجویز کنند. ازاین جهت تقوا، پاک‌ی، راستی و درستی، علم‌اندوزی، هنرورزی و امثال این‌ها در انسان در قامت موجود مستعدی که تحت تأثیر آموزش و تعلیم تربیت است می‌تواند مشکلات جامعه را برطرف سازد. پروین اعتصامی، شاعر بزرگ ایران، شخصی روشنفکر

و پیشگام بوده و در اشعار خود به زنان و آموزش زنان پرداخته است. اما حاذقه هروی با این که در خانواده روشنفکر و جامعه باسواد نبود، مسائل آموزش زنان را جزئی تر و کامل تر بیان کرده است.

همین مسئله باعث شد در این پژوهش به این پرسش پاسخ دهیم که چه شباهت ها و تفاوت هایی میان دیوان حاذقه هروی و پروین اعتصامی در مسئله آموزش زنان وجود دارد؟ برای پاسخ، سؤالات فرعی زیر نیز باید مطرح شوند:

عوامل تفاوت دیدگاه دو شاعر در مورد آموزش زنان چیست؟

تصور این دو شاعر از آموزش زنان چه بود؟

دو شاعر دلیل بی سوادى زنان و تبعات آن و نقش آموزش زنان در بهبود جامعه را چه می دانستند؟

حاذقه و پروین زنان را اساسی ترین عناصر جامعه می دانستند که نقش بسزایی در شکل گیری شخصیت و رفتار جامعه دارند. بنابر مهم بودن نقش زنان، آن ها را به آموختن علوم جدید و دانش های سنتی تشویق می کردند. به نظر می رسد مهم ترین عامل تفاوت این دو شاعر در مورد آموزش زنان، خواستگاه اجتماعی آن ها باشد. تصورات آموزش نزد حاذقه و پروین متفاوت است؛ چنان که پروین بیشترین تأکید را بر آموزش دختران بنابر مادرشدن و تربیت فرزندان می گذارد. اما حاذقه علاوه بر تأکید بر مادرشدن و تربیت فرزندان، به اصل وجود زنان در توسعه کشور همانند مردان، بر آموزش تأکید کرده است و وظیفه زنان را مختص به خانه و مادر بودن نمی داند.

این دو شاعر آداب و سنت ها، باورها و اعتقادات دینی و مذهبی و برداشت های نادرست از آن و بی سوادى پدران و مادران را از جمله دلایل بی سوادى زنان می دانند. این دلایل سبب تداوم جهالت و ظلم به زنان می شود. به باور حاذقه و پروین یگانه راه

رهایی از این وضعیت، علم و دانایی زنان است.

برای آزمون این فرضیات دو دیوان شاعر موضوع مقایسه قرار گرفته‌اند. از این رو این پژوهش از روشی توصیفی - مقایسه‌ای بهره برده و برای ریشه‌یابی تفاوت‌های موجود، زمینه‌های اجتماعی دو شاعر بررسی شده است. در این قسمت پژوهش بافت محور (Contextual) است.

طبق بررسی‌های انجام‌شده در کتاب‌های زنان سخنور از علی اکبر مشیر سلیمی، شعر زنان در افغانستان به کوشش مسعود میرشاهی، کتاب زنان سخن‌سرا در پویه ادب دری با تألیف عطا، کتاب زنان شاعر پارسی‌گوی؛ هفت شهر عشق از مهری شادمانی شاه‌حسینی، دانشنامه ادب فارسی از حسن انوشه، کتاب گلزار جاویدان از محمود هدایت و زنان در افغانستان «فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها» از محمد آصف محسنی (حکمت) به شکل مختصر درباره زندگی حاذقه و به بعضی اشعارش اشاره شده است. اما در سال ۱۳۹۸ ش کلیاتش به شکل منسجم به همت عفت مستشارنیا تصحیح و چاپ شد.

کتاب زنان سخنور از صفحه ۱۰۶ تا ۱۱۲ مختص به حاذقه است. معلومات این کتاب از روی سرگذشت عبدالرئوف بینوایی که در تذکره خود (پشتنی میرونی) به زبان پشتو از حاذقه نوشت است، می‌باشد. «حاذقه در هفت سالگی شروع به مکتب رفتن کرد و پس از پایان تحصیلات ابتدایی با ادامه تحصیل پرداخته، ادبیات پارسی و عربی و انگلیسی، فقه و اصول و حدیث را آموخت و به بعضی اشعار و مشاعره حاذقه با آقای شایق را آورده است». همچنین در صفحه ۳۰۸ کتاب دانشنامه ادب فارسی از حسن انوشه نیز به این مسله آموزش پرداخته شده؛ اما در این دو کتاب درباره چگونگی فراگیری این علوم سخنی به میان نیامده است. آیا این فراگیری علوم و زبان به کمک خانواده، مکتب، استادان یا متکی به استعداد خودش بود.

نویسنده در کتاب زنان سخنسرا در پویه ادب دری، درباره حاذقه و خانواده‌اش می‌نویسد: «حاذقه در سنین کودکی و نوجوانی در مدارس هرات و نیز تحت نظر پدرش با ادبیات دری و عربی و همچنین زبان انگلیسی آشنا شد». همچنین دو آثار حاذقه، یعنی کتاب حیات سوزان و همکاری ملت را از مهم‌ترین تألیفاتش ذکر کرده است. (عطا، ۱۳۶۵؛ ۱۲۲) ولی عطا برای استناد این متن خود، سندی را به مثابه ارجاع ارائه نمی‌کند. اما در صفحه ۲۳۴ و ۲۳۷ کلیات حاذقه در متن که در سال ۱۳۴۱/۱۰/۲۷ توسط حاذقه نوشته شده، یادآوری می‌کند که اگر پدر و مادرم سواد می‌داشتند، واضح بود که مرا تا ۲۲ سالگی شوهر نمی‌داند. حاذقه همچنین خود را دختر دهقان خودآموز ذکر می‌کند. در این کلیات از دو اثر حیات نسوان و تذکره بانوان ذکر شده که می‌توان گفت شاید حیات سوزان همان حیات نسوان باشد، اما همکاری ملت ممکن است از همان آثار حاذقه باشد که مصحح کلیات از آن آگاهی نداشته است. همچنین در دانشنامه ادب فارسی، ذکر شده که حاذقه چندین جایزه بابت سروده‌هایش دریافت کرده است. در سال ۱۳۲۵ شمسی سپه‌سالاری غازی سی هکتار زمین کشاورزی به وی پیشکش کرد. (حاذقه، ۱۳۹۸؛ ۳۰۸) در صورتی که خود حاذقه چندین بار در نامه‌ها و نوشته‌ها و حتی در چندین اشعارش از بی‌توجهی دولت به شعر و شاعری خودش بیان کرد است. (ر.ک. حاذقه، ۱۳۹۸؛ ۲۸۷-۲۸۸؛ ۲۴۷، ۲۲۸، ۳۲۶-۳۲۷، ۲۱۴-۲۱۷، ۹۲)

در صفحه ۴۳ کتاب زنان در افغانستان؛ فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها، نویسنده حاذقه را به خاطر علم و دانش که از آن برخوردار بود، از جمله زنان متعلق به خانواده‌های مرفه معرفی می‌کند؛ اما خود حاذقه برعکس این را بیان کرده است. (همان، ۲۳۴، ۳۲۶-۳۲۷)

تحقیق مشخصی درباره آموزش زنان از نظر حاذقه هروی و پروین اعتصامی صورت

نگرفته، اما می‌توان مقالاتی را یافت که با مسئله این مقاله مرتبط بوده و به بررسی و تحقیق در آثار سایر زنان شاعر فارسی‌زبان پرداخته‌اند که در اشعار پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد می‌توان سراغ آن را گرفت. مثلاً مقاله «تبیین مؤلفه‌های هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی» نوشته مریم صادقی گیوی و بهاره پرهیزکاری، «زن در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد» نوشته طاهره سیدرضایی، «نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه پروین اعتصامی» نوشته ابوالفضل ذوالفقار و مسلم میرزایی، «خانواده و مناسبات خانوادگی در دیوان پروین اعتصامی» نوشته مریم‌السادات اسعدی فیروزآبادی، «ضرورت تعلیم و تربیت زنان در اندیشه پروین اعتصامی و قاسم امین‌مصری» نوشته فاطمه مرادی و رضا سمیع‌زاده، «جنسیت در شعر پروین اعتصامی» نوشته مهناز سادات حسینی و «مقایسه ارزش‌ها در اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی» نوشته زهره جعفری و عبدالله نصرتی. در این مقالات به زنان و نقش آنان، آزادی زنان، برابری زنان و غیره پرداخته شده اما خیلی اندک آموزش زنان موضوع بررسی قرار گرفته است؛ در صورتی که تمام آزادی و برابری فقط با آموزش و آگاهی زنان حاصل می‌شود. این سه شاعر فارسی‌زبان ایرانی تقریباً در زمان نزدیک به هم زیسته‌اند و تفاوت‌هایی در نظریاتشان وجود دارد؛ مانند این‌که پروین اعتصامی عقیده داشت «برتری انسان چیه زن، چه مرد در داشتن هنر، گوهر تعلیم و تربیت، فضل، عرفان، قناعت، پرهیزکاری و پاکی است؛ همچنان‌که نقصان انسان، در بی‌دانشی آن‌ها است». (مرادی و سمیع‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۴)

سیمین بهبهانی شرایط اجتماعی را در موقعیت نامناسب زنان مؤثر و مقصر می‌داند. از نظر او برابری زن و مرد نیازمند آگاهی ذهنی و تعدیل پاره‌ای قوانین و تدوین قوانین تازه است و اگر در جامعه‌ای شرایط نامساعدی حکم فرما باشد، گمان می‌کنم که زن و مرد هر دو یکسان و به یک اندازه گرفتار رنج باشند. به باور او: دلیلی نیست که زنان را مظلوم‌تر و ستم‌کشیده‌تر قلمداد کنیم. به هر صورت من مردها را محکم نمی‌کنم؛

گناهی اگر هست از جهت قوانین و سنت‌ها و طرز تربیت افراد هست و گمان ندارم که مرد آن ذاتاً بدخواه یا دشمن زنان باشند. (سید رضایی، ۱۳۸۹: ۱۰۷)

اما فروغ در هیچ‌یک از اشعارش مستقیماً به لزوم آگاه‌شدن زنان، روی آوردن آنان در علم و دانش و... اشاره نمی‌کند، بلکه در این زمینه شیوه‌ای غیرمستقیم را در پیش می‌گیرد. او که خود یک سر تحول را پشت سر گذاشته ابتدا با تأکید بر جنبه‌های زنانه زن و یادآوری خاطرات تلخ زندگی خود و به‌طورکلی انتظارات یک بعدی و نامعقول جامعه آن روزگار از زن، به تبیین جایگاه زنان در جامعه عصر خویش پرداخته می‌گوید:

به او جز از هوس چیزی نگفتند

در او جز جلوه ظاهر ندیدند

به هر جا رفت در گوشش سرودند

که زن را بهر عشرت آفریدند

سپس در دفترهای شعری بعد با کشف ماهیت واقعی انسان و ابراز وجود در قامت یک انسان آگاه، عملاً پیام‌آور این نکته می‌شود که اهمیت وجود زن در جامعه به نوع نگرش، تفکر و شعور فردی و اجتماعی او بستگی دارد و آزادی حیات واقعی یک زن و به‌طورکلی انسان در بیان آزادانه افکار و اندیشه‌های اوست، نه در آزادی‌های ظاهری.

« و بدین‌سان است / که کسی می‌میرد / و کسی می‌ماند / هیچ صیادی در جوی حقیری که به گودالی می‌ریزد / مرواریدی صید نخواهد کرد. » (ر.ک. جعفری و نصرتی، ۱۳۹۴: ۸۸ - ۸۹)

این تفاوت‌ها نشان‌دهنده این است که اوضاع اجتماعی و خانوادگی مختلف و علایق گوناگون، تفاوت‌ها را در اشعار آن‌ها ایجاد کرده است. پس می‌توان گفت،

تفاوت‌هایی نیز در اشعار پروین اعتصامی با اشعار حاذقه هروی که یک زمان، اما در مکان، جامعه و خانواده متفاوت زیست می‌کردند، وجود دارد. بیشترین چیزی که حاذقه را متمایز می‌کند این است که بیش از پروین اعتصامی به آموزش چنان کلید نجات زنان، اهمیت می‌دهد. این امر می‌تواند ناشی از آن باشد که روند تحول آموزشی در جامعه ایرانی نسبت به افغانستان سریع‌تر طی شده و زنان فرصت بیشتری برای آموزش داشتند. چنان‌که زنان شاعر ایرانی مانند این سه شاعر همه در خانواده تحصیل کرده زیست کرده‌اند و خود آن‌ها نیز از زنان تحصیل کرده و فاضل عصر خود به شمار می‌رفتند. اما حاذقه یک دختر خودآموز، در یک خانواد دهقان و جامعه‌ی بزرگ شده که علم و دانایی از هیچ اهمیتی برخوردار نبود.

چنان‌که منابع دست اول که در این تحقیق مورد استقاد قرار گرفته دیوان پروین اعتصامی و حاذقه هروی می‌باشد. اما دیوان پروین اعتصامی در زمان حیات وی در سال ۱۳۱۴ به همکاری و تصحیح پدرش و اساتیدی وی تصحیح و به چاپ رسید. همچنان تحقیقاتی زیادی در مورد خودش و اشعارش صورت گرفته است. بنابراین امکان کم و کاستی بسیار کم وجود دارد. برعکس دیوان حاذقه هروی مجموعه‌ای از اشعار و نوشته‌های است که خود در سال ۱۳۴۱ش از میان آثارش برگزیده و به قصد اصلاح و چاپ در کابل برای آقای بینوا فرستاده است تا این‌که بعد از چندین سال خفا در ۱۳۹۸ش به همت خانم مستثنایار تصحیح و به چاپ رسید. هیچ تحقیق درباره وی و دیوان اش صورت نگرفته بنابر این احتمال کشف اسنادی وجود دارد که زندگی حاذقه هروی را روشن‌تر کند.

زندگی و شرایط سیاسی اجتماعی حاذقه هروی

حاذقه هروی زن شاعر افغانستانی، نام اصلی حاذقه کشور و نام پدرش محمد عثمان فرزند رستم از قوم بردرانی، نام مادرش همد، دختر محمد جان از قوم علیزایی بود.

در ۲۹ محرم ۱۳۴۰ قمری، ۱۰ مهر ۱۳۰۰ ش، در هرات که یکی از کانون‌های فعال فرهنگی و ادبی آن زمان بود، زاده شد. بنابر نوشته هایش، دختر دهقان و خودآموز بوده و در سال ۱۳۵۹ ق، ۱۳۱۹ ش با آقای منیری که از خانواده اهل ادب که در شعر سرای اشنایت داشته، ازدواج کرد. می‌توان گفت که حاذقه در سال‌های بعدی به مدرسه رفته و از تعلیمات رسمی برخوردار شده است که همین تحصیلات رسمی و قانونی در دروه بعدی زندگی وی، راه را برای ورود او به عنوان معلم در مدرسه مهری هرات باز کرده. (ر.ک. حاذقه هروی، ۱۳۹۸؛ ۲۳۴-۲۳۷)

زندگی حاذقه مصادف با دورانی بود که تغییرات زیادی در ساحات مختلف مردم افغانستان به خصوص زنان اتفاق افتاد. این اتفاقات که محصول اصلاحات ظاهرشاه بود، در ادامه روندی از اصلاحات مدرنی که از زمان امان‌الله خان از سال ۱۹۱۹م آغاز شد و در دوره ظاهرشاه شدت بیشتری گرفت. نمی‌توان از نقش او در ارتقا جایگاه زنان در افغانستان چشم پوشید. (ر.ک. غبار، ۱۳۷۸؛ ۹۰/۲-۸۳)

پیش از ظاهر شاه، امان‌الله خان اصلاحاتی در زمینه، آزادی زنان و آموزش زنان دست زده بود (ر.ک. ناصری داوودی، ۱۳۷۹: ۲۰۸-۲۲۰). اما این اصلاحات توسط پادشاهان بعدی افغانستان پیگیری نشد و انقطاعی در روند رشد آموزش زنان ایجاد گردید. این مسئله در دوره ظاهرشاه که از سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۵۲ ش در مسند قدرت بود با شدت بیشتری پیگیری شد. ظاهرشاه توانست زمینه فعالیت و آموزش را برای جامعه مهیا نماید. چنان‌که در زمان امان‌الله خان اصلاحات با مخالفت گروه‌های محافظ کار مواجه گردید اما در زمان ظاهرشاه این شکاف‌های طبقاتی و جنسیتی به آن شدت نبود. با این حال میتوان جریان‌های معارضی را حتی در این دوران مشاهده نمود که در برابر جریان اصلاحی مقاومت می‌نمودند. یکی از این جریان‌ها، مذهب‌یون و متحجرانی بود که عرصه را برای آموزش زنان در افغانستان تنگ کرده و یکی از مشکلات اساسی

آموزش زنان محسوب می‌شد. حاذقه تلاش‌هایی برای مصالحه و مقابله با افکار آن‌ها انجام داد. اما این جانب‌داری او از باسوادی دختران و اعتراض و انتقاد شدید او به خاطر عدم توجه به این امر احتمالاً موجب شده که وی مورد اعتراض محافظه‌کاران و سنت‌گرایان قرار گرفته باشد و به این امر متهم شده باشد که وی طرفدار آزادی مطلق زنان است. چنان که خود در اشعار خود بیان می‌کند.

ای کسانی که به من طعنه بی‌جا زده‌اید
طبل بدنای من را به هویدا زده‌اید

روز و شب زخم قلم را به دل ما زده‌اید
تیر نخوت ز ابا پردل ما زده‌اید

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۶۲)

به حالات وطن بنگر زعیب ما سخن می‌گوی
به اطراف جهان می‌بین، ره بهتر از این می‌پوی

ز رفتار بطی و حالت و اوضاع ما می‌گوی
برای چاره این درد بی‌درمان دوا می‌جوی

زبان هست باز و نیست خصم و دشمن جانت
بکن فکری که درد ما بود محتاج درمانت

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۹۶)

در جواب و رفع سوء تفاهم و تصحیح اذهان مردم بیان می‌کند، من طرفدار آزادی مطلق زنان و دختران نیستم، و....

من نمی‌گویم که نسوان از ادب بیرون شوند
خودسرانه رهسپار دامن هامون شوند

آرزو دارم که هریک صاحب مضمون شوند
در پی لیلی چو مجنون از خرد بیرون شود

خواهم از جهل و ندم دست اطاعت بکشند
ز میان فقر و فاقه رو به ثروت آورند

حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۶۱

در این دوره علاوه بر از سرگیری فعالیت مکاتب با تصویب قانون اساسی جدید و اجباری گردیدن مقطع تحصیلی ابتدایی، زمینه آموزش دختران در افغانستان بیشتر فراهم گردید. مکاتب دخترانه از شهر کابل پا فراتر گذاشته و به سایر ولایات نیز رسید. از آن جمله مکاتب، مکتب مهری هرات که حاذقه در آن مشغول تدریس بود می‌باشد. در این زمان بود که اولین فارغ التحصیلان مستورات به حیث معلم جذب مکاتب دخترانه شدند و دختران برای بار دوم به بورسیه‌های کشورهای خارجی اعزام شدند. (ر.ک. جاوید، ۱۳۸۳: ۱۰۳-۱۰۴، موسوی ۱۳۸۸: ۳۴)^۱

از این رو دوران زندگی حاذقه (۱۳۰۰ تا ۱۳۴۱ ش) مصادف با نهضت اصلاحی ظاهرشاه بود. این تغییرات تأثیر زیادی بر نگاه این شاعر زن افغانستان در مورد آموزش زنان داشت.

حاذقه با صراحت لهجه و شجاعت اخلاقی خود توانست گزارش احوال خود، خانواده، همسر و زنان، مردان جامعه، هنجارها و ناهنجاری‌های شهر و دیار کشورش مطابق با واقع و به دور از انواع حدس و گمان ارائه کند. وی رازن واقع‌بین و با آرمان‌های بزرگ،

ترقی خواه، دانش پرور، خانواده دوست، آزاده، تیزبین، آگاه می یابیم. زنی با رسالتی بزرگ برای بیداری و آگاهی و آموزش تعلیم و تربیت دختران که مادران آینده کشورند می بینیم که از این منظر با دیگران به ویژه با زنان شاعر و نویسنده هم روزگارش و روزگاران پیشین قابل مقایسه نیست. (مستشارنیا، ۱۳۹۸: ۲)

شعر حاذقه، شعری روان، ساده و عام فهم می باشد. از منظر محتوا شعری است متعلق به زمان و جامعه آن شاعر و موضوع پربسامد او، توصیف سیمای زنان و دختران و مردان روزگار اوست که اندیشه و احساس زبان و بیان او را به خود مشغول داشته است. واقعه های چشم دید خود و اوضاع زنان و دختران جامعه را بدون هیچ ترسی بیان کرده و دردها و رنج های که دختران در آن زمان می کشیدند، با تمام حس همدردی و حس مسئولیت پذیری ذکر نموده است. بنابراین مسئولیت پذیری حاذقه با مطالبه حقوق زنان در اشعارش، باعث ایجاد انگیزه و شجاعت در دیگر زنان برای احقاق حقوقشان شد. با مطرح کردن اهمیت زنان در آینده وطن، از زنان شاعر خواستار دفاع از حقوقشان با شعرنویسی شد.

حاذقه تبلیغ می خواهد ز جمع شاعران
تا از این معنی به مکتب جمع گردند دختران
(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۶۱)

شاعران جمع شده حق زنان می خواهد
از زنان مصلحت و نطق و بیان می خواهد

از زنان آتیه اولاد جوان می خواهد
از صناعت و زنان جنس گران می خواهد

قصد دارند که زن ها همگی زنده شوند
به وطن جاهد و زیننده و پاینده شوند

(حاذقه، ۱۳۹۸: ۲۷۰)

اندرین دعوت همی خواهم که اهل معرفت
در دخول دختران از کس نخواهد معذرت

نیست زین بهتر به این عصر اتومی مصلحت
اندرین معنی نباید کرد باکس مشورت

نیست با نسوان به جز علم و صناعت رهبری
راه بهبودی به جز این نیست فکر بهتری

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۶۱)

زندگی و شرایط سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی

علی‌رغم اینکه پروین اعتصامی قبل از حاذقه زندگی می‌کرد، اطلاعات بیشتری از وی نسبت به حاذقه موجود است. پروین اعتصامی شاعر بزرگ ایرانی در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در شهر تبریز دیده به جهان گشود. پدرش یوسف اعتصامی بود که از محققان، مترجمان و نویسندگان نامی عصر خویش به شمار می‌رفت. پروین ابتدا ادبیات فارسی و عربی را نزد پدرش آموخت و سپس تحصیلات خود را در مدرسه آمریکایی دختران ادامه داد. (عطا، ۱۳۶۵: ۱۰۲)

در سال ۱۳۱۲ با پسر کاکای پدرش ازدواج کرد. اما پس از دو ماه و نیم زندگی مشترک از همسرش جدا شد و به تهران بازگشت. در فروردین ۱۳۲۰ در سن ۳۵ سالگی به بیماری حصبه درگذشت. پروین که به مدد تربیت درست و آموزش‌های جامع و همه‌جانبه نزد پدر در خانه و معلمان در مدرسه‌های گوناگون، آنچه را بایست از کودکی فراگیرد، با خود داشت و توانست با همنشینی پدر ادیب و شاعرش با ادیبان و شاعران روزگار خود مانند دهخدا، نصرالله فلسفی، رشید یاسمی و دیگران این آموخته‌های ارزشمند را در روزگاری که پا بیرون نهادن دختر از خانه هم چنان کاری نادرست و نشان

کم حیایی و بی‌آزرمی تلقی می‌شد به شکل شعر درآورده و به دوستداران ادب پارسی عرضه کند. (ر.ک. اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۴)

مردم ایران مانند مردمان دیگر کشورها برای مدرن شدن مشکلاتی را متحمل شدند، نیز تجربه کردند. در زمان تولد پروین و قبل از تولدش، زنان ایران با مشکلات اجتماعی و فرهنگی فراوانی روبه‌رو بودند؛ چنان‌که دو ماه پیش از تولد او مقارن با روزی که مظفرالدین شاه قاجار، قانون مشروطه را امضا کرد، تقاضای یکی از فعالان حقوق زنان از مجلس برای حمایت حکومت از تأسیس مدارس دخترانه رد شد. اما با تلاش پی‌درپی روشنفکران و فعالان حقوق زن، تعلیم و تربیت زنان منحصر به خانه‌داری و امور خانواده اعلان شد و اجازه دخالت زنان در امور اجتماعی و سیاسی را ندادند. اما بعد از مشروطیت و به قدرت رسیدن رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی، اوضاع زنان رو به بهبود رفت. (السادات میرهادی، ۱۳۹۳: ۲۰۲)

اما باز هم کشمکش‌های برای آزادی و برابری دختران در جامعه پروین وجود داشت؛ چنان‌که از اشعار وی نمایان است. اما می‌توان گفت تفاوت عمده که در اشعار پروین و حاذقه وجود دارد، ادبیاتی است که این دو در اشعار خود استفاده کردند که اشکارا مقام و جایگاه آنان را بیان می‌کند. پروین که در خانواده روشنفکر و ثروتمند بزرگ شد، نشست و برخاست زیادی با شاعران و دانشمندان بزرگ داشت که تأثیراتی فراوان بر ادبیات اشعارش داشت و باعث شد شعرهای علمی و ادبی باشد. احساس می‌شود اشعار وی برای ادیب‌ها و جامعه طبقه بالا است تا این‌که همانند اشعار حاذقه برای مردم عام باشد. چنان‌که حاذقه با ادبیات بسیار عامیانه، محرومیت‌های زنان و مشکلات جامعه پایین را با صراحت لهجه بیان می‌کند.

دلیل بی‌سوادی دختران از نظر حاذقه و پروین اعتصامی

بر اساس اشعار این دو شاعر، عمده‌ترین دلایل بی‌سوادی دختران و زنان جامعه افغانستان و ایران، آداب و رسوم نادرست و نگاه متحجرانه به دین بود. از آنجاکه هر دو کشور سابقه تاریخی زیادی در ایجاد و توسعه آموزش مدرن برای عموم مردم نداشتند، عمده دلیل بی‌سوادی زنان را در آن مقطع می‌توان عدم وجود زیرساخت‌های آموزشی دانست. اما برعکس پروین، حاذقه به این موضوع اشاراتی داشته است، زیرا در آن زمان، فعالیت‌های مهمی در زمان پهلوی اول در ایران و ظاهرشاه در افغانستان برای توسعه آموزش مدرن انجام شد. از این رو شاعران به موانع توسعه آموزش بیشتر توجه کرده‌اند تا به پیشینه بی‌سوادی. از آنجاکه اشتراکات فرهنگی و تاریخی ایران و افغانستان زیاد است، دلایل بی‌سوادی زنان در این دو کشور نیز یکسان است. جهل جامعه، خانواده‌های بی‌سواد که اجازه رشد دختران را نمی‌دادند و نگاه متسلب مذهبی که با دیدی متحجرانه درس خواندن زنان را امر حرام تلقی می‌کرد. هر دوی این دلایل در جامعه افغانستان و ایران مشترک بود. با این حال چون جامعه ایران پیش از افغانستان حرکت مدرن را آغاز کرده بود و دستاوردهای باثبات‌تری نیز داشت، از وضعیتی بهتر از افغانستان برخوردار بود. تفوق مذهبی شیعه در ایران و عدم نگاه متحجرانه آن‌ها نسبت به علمای سنی مذهب افغانستان نیز سبب شد تا دلایلی که به کرات در شعر حاذقه ذکر شده در شعر پروین کمتر باشد.

آداب و رسوم نادرست

آداب و رسوم از مهم‌ترین عوامل اجتماعی است که رفتار و عملکرد انسان را در جامعه شکل می‌دهد. هر جامعه‌ای آداب و رسوم درست و نادرست دارد و افغانستان و ایران نیز از این قاعده برکنار نیستند. برخی از این آداب و رسوم حاکم نه تنها هیچ پیوندی با آموزه‌های اسلامی نداشت، بلکه ریشه‌های متفاوت با آموزه‌های دینی و بلکه ضد دینی به حساب می‌آمد. حاذقه و پروین اعتصامی نیز یگانه دلیل این بدبختی

زنان را آداب و رسوم نادرست که در جامعه هر دو شاعر حاکم بوده، بیان کردند. اما می‌توان گفت چنان‌که از اشعار این دو شاعر معلوم می‌شود، این آداب و رسوم ناصواب در هر جامعه از لحاظ کمیت و کیفیت متفاوت بوده است، چون تعداد اشعار پروین در مورد آداب و رسوم نادرست جامعه‌اش، کمتر از حاذقه هروی است. این خود نشان می‌دهد که در جامعه وی، آداب و رسوم نادرستی که مانع آموزش زنان باشد، از بین رفته یا خیلی اندک بوده است.

مسئله تبعیض در نوع پرورش دختران و پسران در خانواده پدرسالار افغانستان امری کاملاً فراگیر و نهادینه شده بود. والدین در خانواده‌ها با برخورد دوگانه با فرزندان پسر و دختر، نخستین پایه‌های تبعیض را که عبارتند از اولویت دادن حق آموزش، حق انتخاب همسر و غیره پایه‌گذاری می‌نمود و از همان تولد، با تولد پسر شادمان و با تولد دختر غمگین می‌شدند، زیرا به این نگاه باور داشتند که پسر عضو دائم خانواده، اما دختر مال مردم است. می‌توان گفت این فرهنگ آن قدر عمیق بوده که تا همین دهه اخیر، از بین مردم افغانستان ناپدید نگردیده است. دلیل این تبعیض، عقاید نادرست و مردسالاری را می‌توان بی‌سوادی و جهل که در جامعه در بین مرد و زن حاکم بود دانست؛ چنان‌که حاذقه نیز این واقعیت اجتماعی را در قالب شعر چنین ترسیم کرده است:

ای دختر با توان و ای صاحب دین

خود را به خرافات از این بیش مبین

بشتاب که مکتب به تو آواز کند

زین بیش زغم، به زیر پرده منشین

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۲۴)

پدرم جاهل و بی‌تربیت و علم و ادب

آرزومند پلو، جاه طلب، عیش و طرب

فخر دارد به کلانی و به آبا و نسب

من که بی علم شدم نیست به این کار عجب

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۷۲)

**

تو ملامت مکنم زآنکه مرا نیست گناه

من ز دست پدر جاهل خود گشته تباه

پدرم جاهل و من نیز شدم قلب سیاه

عالمان نیز به ما هیچ نکردند نگاه

عاقبت تنبل و بیکاره و جاهل شده ایم

بی ادب گشتیم و بی کاره و کاهل شده ایم

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۷۲)

ای پدرها فکر خوبی منتخب باید نمود

طفل ها را در معارف با ادب باید نمود

دختران را کوچه گردی و جهالت قاتل است

ننگ و نامی از برایشان طلب باید نمود

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۵)

پروین بیشتر در باب آداب و رسوم نادرست جامعه سنتی ایران که باعث ستم و ظلم های بر زنان در طی سال های گذشته شده، شعر سروده تا این که درباره زمان حال خودش بسرائد. بنابراین می توان گفت که مشکلات زمان خود پروین انقدر حاد

نبوده و بیشتر مربوط تجمل‌گرایی زنان می‌شده تا خانواده. چنان‌که در اشعارش درباره منع آموزش دختران از طرف خانواده یادآوری کرده است. به علاوه پروین از خانواده مرفه و باسواد بوده و در جمعی از خانواده‌های مرفه بزرگ شده است. این مسئله را می‌توان دلیل آن دانست که در شعر پروین به خلاف شعر حاذقه مسائل روزمره زنان کوچه و بازار کمتر دیده شده است. اشعار وی درباره رسوم نادرست در مورد زنان به شرح زیر است:

به که هر دختر بداند قدر علم آموختن
تا نگوید کس، پسر هوشیار و دختر کودن است!
(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۴۵۹)

همیشه فرصت ما صرف شد در این معنی
که نرخ جامه بهمان چه بود و کفش فلان
برای جسم خریدیم زیور پندار
برای روح بریدیم جامه خذلان
نه بانو است که خود را بزرگ می‌شمرد
به گوشواره و طوق و به یاره مرجان
(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۷)

زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود
پیشه‌اش، جز تیره‌روزی و پریشانی نبود
زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت

زن چه بود آن روزها، گر زانکه زندانی نبود

کس چو زن، اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد

کس چو زن، در معبد سالوس، قربانی نبود

از برای زن، به میدان فراخ زندگی

سرنوشت در قسمتی، جز تنگ میدانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

از چه نسوان از حقوق خویشتن بی بهره‌اند؟

نام این قوم از چه دور افتاده از هر دفتری؟

(اعتصامی، ۱۳۸۸، ۴۵۹)

نگاه متحجرانه به دین

حاذقه هروی از لحاظ اعتقادات دینی پابند و متعهد به دین بود و به خوبی از دین آگاهی داشت و دین را یگانه راهی برای از بین بردن جهل می‌دانست، اما مخالف دیدگاه متحجرانه دینی بود؛ چنان‌که جامعه افغانستان یک جامعه دینی و بیشتر متکی به علما دین بود. حاذقه با استناد از آیه و حدیث علما را هدف انتقاد قرار می‌دهد. می‌گوید وقتی خداوند فرموده است «و لقد کرّمنا بنی ادم»^۱ این کرامت را شامل مردان و زنان که ابنای آدم‌اند می‌داند و می‌پرسد پس چرا بانوان اجازه آموختن ندارند؟

هیچ تردیدی وجود ندارد که از عوامل عمده و اساسی ظلم در حق زنان و مانع بزرگ برای

حضور در اجتماع و آموزش زنان در جامعه، قرائت‌های متحجرانه از دین بود؛ چنان‌که هم استبداد حاکم بر جامعه و هم رسومات و عنعنات قبیله‌ای رایج در کشور را به واسطه دین توجیه می‌کردند. بنابراین، سوءاستفاده از دین بیشترین نقش را در تحکیم نگاه کم‌بینانه به زنان و چالش‌های زنان داشته است. به علاوه مردسالار بودن جامعه افغانستان، بدین بودن مردم به اصل تحصیلات جدید به عنوان علوم سکولار و ضد دینی، باعث مخالفت آموزش دختران بود. این امر در اشعار حاذقه نیز به وضوح بیان شده است و به شکل ماهرانه با تبیین منطقی و عقلانی از باورها و احکام اسلام، آن را بیان کرده و دین را از خرافات و عنعنات قبیله‌ای و اتهامات ناروای دین‌ستیزانه تبرئه کرده است.

مردمان دین طلب تکیه به ایمان کرده‌اند

نام خود را در جهان زنده، افغان کرده‌اند

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۴۰)

نیست در مذهب ما جهل روا

فتنه دهر بود جهل به ما

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۷)

علم فرض آمد به نسوان به مرد آن در حدیث

پس چرا زین حکم محکم بی خبر مانده اناث

نیست بانسوان به جز علم و عمل راه نجات

تا به کی از بی‌کمالی در به در مانده اناث

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۲)

ای چرا نسوان زادراک معانی بی خبر
در نهالستان باغ زندگانی بی ثمر

دین ما اسلام و راه ما طریق مصطفی
پس چرا از قول پیغمبر تمامی کور و کر
(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۵۲)

می شود دانا اگر زن ها، شریعت را چه نقص
فکر کن ای مرد دانشور بشو همکار زن
(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۱۳۱)

عالمان یا رب چرا از علم نسوان خائفند
نیست یک فردی که باشد ساعی و غمخوار زن
(حاذقه هروی، ۱۳۹۸، ۱۳۲)

پروین اعتصامی نیز دارای اعتقادات دینی محکم و آگاه بود. اما جامعه پروین نسبت به جامعه حاذقه مدرن تر بود و این معضل متحجرانه دینی تا حدودی حل گردیده بود. کمتر مردمانی بودند که در این زمان مانع آموزش دختران باشند، اما در دوره قبل از پروین این معضل وجود داشته، چنان که وی به شکل انتقادی از اوضاع گذشته شعر می سروده است. این نشان می دهد که در دوره قبل از پروین نگاه کم بینانه

به زنان از طرف دولت و علمای دین وجود داشت. زنان، فرصت و امکان و اجازه آموزش نداشتند. بنابراین جمعیت کثیر زنان، بی سواد و بی دانش باقی مانده بودند. راه از بین بردن این عقاید، به باور حاذقه، برابری در آموزش زنان و مردان است. یادآور می شود که در هیچ جا آموزش زنان منع نشده است. به باور او زن و مرد یکسان و هر دو رهرو راه هستی اند. همچنان پروین با وجود تأکید بر عفت، پاکی و تقوا، تنها پوشش ظاهری را برای حفظ ارزش های انسانی و مسلمانی زن کافی نمی داند.

به هبج مبحث و دیپاچه ای، قضا ننوشت

برای مرد، کمال و برای زن، نقصان

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۷)

زن ز تحصیل هنر شد شهره در هر کشوری

بر نکرد از ما کسی زین خواب بیدردی، سری

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۴۵۹)

در عدالت خانه انصاف، زن شاهد نداشت

در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود

داده خواهی های زن می ماند عمری بی جواب

آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۹۰)

چشم و دل را پرده می بایست اما عفاف

چادر پوشیده بنیاد مسلمانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۹۰)

اما پروین یگانه راه حل این معضل را آگاهی یافتن زنان از حقوقشان می داند که فقط از طریق آموزش محقق می شود. تعلیم و تربیت علاوه بر این که یک امر ارزشی و فریضه دینی است، موجب کمال انسان و تقرب او به خداوند متعال می گردد. دفاع از حقوق زنان و ارائه راهکارهای مؤثر در جهت رسیدن به جایگاه و حقوقشان علاوه بر آنکه یک نیاز اجتماعی و سیاسی است، یک واجب دینی و وظیفه انسانی نیز می باشد. لذا ارائه راهکارهای مؤثر برای حل مشکلات زنان همانگونه به سود جامعه نسوان است، به نفع اندیشه اصیل دینی نیز می باشد. بر این موضوع حاذقه نیز تأکید فراوان کرده و به باسوادی دختران امیدوار بود. برای نمونه چند شعر ایشان را ذکر می کنم.

آبرومندی به نسوان غیر عرفان هیچ نیست
هر که را نبود ادب از نوع انسان هیچ نیست

با نسوان به جز علم صناعت رهبری

راه بهبود به جز این نیست فکر بهتری
(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۶۱)

گر دختران به درس یکجا نشوند

هرگز به خدا مادر فردا نشوند

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۱۸)

ما را به ره دین، کسی تبلیغ نکرد

محبوس نمودند زنان را به قفس

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۳۲۲)

ای دختر باخرد مشو خواب دگر
از جهل و ندم مباش بی‌آب، دگر

زن‌ها همه دانا و خردمند شدند

ایام جوانی نشود چاپ دگر

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۳۲۰)

تا نخوانند به مکتب، ننویسند کتاب
خود را با ادب و فهم و سخنور نکنند
نه دین راه بیابند و نه به دنیا یابند
تا که از روی ادب خدمت داور نکنند

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۴۰)

خوشا روزی به مکتب بچه و دختر کند بازی
چو شیر اندر میان جام با شگر کند بازی

شود آزاد نسوان، مملکت از وی جوان گردد

وطن اندر فضا، با دانش اختر کند بازی

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۱۸۰)

تربیه گرمی شود زن از علوم و معرفت

می کند سبقت ز هر کس، دانش افکار زن

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۱۳۱)

پروین نیز بر همین عقیده است که بیشترین مانع آموزش زنان، ناآگاهی جامعه گذشته و عادات و رسوم پست است؛ از این رو بخشی از همت و اهتمام خود را صرف آگاهی دادن زنان به شایستگی های راستینشان کرد. او بر این عقیده بود که زنان در طول سده های گذشته از فضیلت کسب دانش و هنر و نیز حضور فعال در عرصه اجتماع محروم بودند و همین باعث غفلت آنان از فضایل و خوبی ها و نیز انحراف از مسیر حیات طبیعی شان شده است و به همین دلیل بیشتر به طرف تجملگرایی رفته اند تا به آموختن علم و دانش. تنها راه حل این مشکل، آگاهی زنان است. او می گوید: داشتن شایستگی و لیاقت و نیز علم و دانش شرط برتری زنان است، نه داشتن زیورهای ظاهری.

نور دانش را ز چشم زن نهان می داشتند

این ندانستن، ز پستی و گرانجانی نبود

زن کجا بافنده می شد، جای نخ و دوک هنر

خرمن و حاصل نبود، آنجا که دهقانی نبود

میوه های دکه دانش فراوان بود، لیک

بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۹۰)

ارزش پوشنده کفش و جامه را ارزنده کرد
قدر و پستی، باگرانی و به ارزانی نبود

سادگی و پاکی و پرهیز، یک یک گوهرند
گوهر تابنده، تنها گوهر کانی نبود
(اعتصامی، ۱۹۲:۸۸۳۱)

بهر زن، تقلید، تیه و فتنه و چاه بلاست
زیرک آن زن، کور هوش این راه ظلمانی نبود

آب و رنگ از علم می بایست، شرط برتری
با زمرد یاره و لعل بدخشانی نبود

جلوه صد پرنیان، چون یک قبای ساده نیست
عزت از شایستگی بود، از هوسرانی نبود
(اعتصامی، ۱۳۸۸:۲۹۱)

نقش آموزش زنان در جامعه از دیدگاه حاذقه هروی و پروین اعتصامی

زنان عنصر بنیادین جامعه هستند و نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار جامعه دارند. اگر زنان جامعه بتوانند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی که خداوند برای همه انسان‌ها به طور یکسان در نظر گرفته دست یابند، تأثیرپذیری و تربیت‌پذیری انسان‌ها و تربیت فرزندان بهتر خواهد شد؛ محیط خانواده گرم‌تر و باصفاتر خواهد بود و جامعه پیشرفت و توسعه خواهد یافت، چون فرزندان آینده در

دامن زنان بزرگ می‌شوند. حاذقه هروی با تأیید این مطلب، زنان را مادر یا دختر و همسر مطرح کرده و بیان نموده که زنان در کنار مردان با داشتن قدرت خرد و تعقل و دانش و تخصص می‌توانند عامل تکامل و تغییر اجتماعی گردند؛ ازاین‌رو زنان و دختران را به آموزش علم و دانش تشویق می‌کند.

دخترک عاقل و دانای من
مادر دانشور فردای من

هست وطن منتظر کار تو
بیش ز هر فرد طلبگار تو
(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۱۹۸)

ای دخترک عزیز با عصمت من
ای مادرک رشید باعفت من

خود را به معارف آشنا کن همه وقت
ای مونس دل شفیق باهمت من

ای دخترکان ماه‌سیمای وطن
ای غنچه نهال باغ فردای وطن

فردا ز شما شود وطن آبادان
گردیده همه، عاقل و دانای وطن

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۲۴)

چون تو به فردای وطن مادری
به همه افراد وطن خواهی

آتیه اولاد به آغوش توست
ننگ وطن با تو و با دوش توست

با صف دشمن تو شوی حمله‌ور
از اثر علم شوی نامور

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۱۹۹)

مردان باوقار بود یادگار زن
در زندگی همیشه بود کامگار زن

دانش صفت همیشه بود در کنار زن
باشد به حرف و گفته و با اختیار زن

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۲۶۹)

شود ایجاد مکتب، دختران کامل شود شامل
چو معشوقی که پیش یار افزون‌تر کند بازی

به انجین خانه‌ها دختر شود با بیچه‌ها همکار
بسازد موتور و طیاره با رهبر کند بازی

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۱۸۱)

پروین اعتصامی ضرورت آموزش دختران را برای ایفای بهتر نقش اجتماعی زنان که در آینده به عهده خواهند گرفت، در نظر می‌گرفت. زنان با آموزش می‌توانند به جایگاه واقعی‌شان نزدیک شوند و توانایی عقلی آن‌ها پرورش یابد و به تکالیف خود در جامعه و خانواده پی ببرند. تأثیرپذیری انسان‌ها باعث می‌شود که این تکامل مادران به فرزندان‌شان، که مردان آینده جامعه و جهان هستند، تأثیر بگذارد. چنان‌که پروین، مقاله «زن و تاریخ» را که در جشن فارغ‌التحصیلی‌اش ارائه کرد، در آن نقش زنان در توسعه و انحطاط جامعه و ظلم‌هایی که از طرف مردها به زنان صورت گرفته بود را ابراز داشت و به روزگاری تاریک، اندوهبار و همراه با رنج و مشقت و سرشار از مذلت و اسارت زنان مشرق اشاره کرد. به باور او بر اثر این بی‌توجهی زندگی نیمی از جمعیت مشرق‌زمین ضایع شده است. مادران نادان، فرزندان بی‌دانش پرورش دادند. لاجرم، اسباب تباهی و تیره‌روزی مشرق‌زمین را فراهم آوردند. وی تنها راه نجات و درمان این تباهی را تعلیم و تربیت زن و مرد و تمام طبقات جامعه می‌داند. او همچنین در اشعار خود به نقش زنان و نقش آموزش زنان در جامعه اشاره می‌کند:

در آن سرای که زن نیست، انس شفقت نیست

در آن وجود که دل مرد، مرده است روان

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۷)

زن از نخست بود رکن خانه هستی

که ساخت خانه بی‌پای‌بست و بی‌بنیان

زن ار به راه متاعب نمی‌گذاخت چو شمع

نمی‌شناخت کس این راه تیره را پایان

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۷)

وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟
یکیست کشتی و آن دیگریست کشتی بان

توان و توش ره مرد چیست؟ یاری زن
حطام و ثروت زن چیست؟ مهر فرزندان

زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود
طیب بود و پرستار و شحنه و دربان

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۸)

همچنین حاذقه افزون بر نقد جامعه مردسالار و نگاه تحقیرآمیز جامعه و مردان بر زنان، به نقد رفتار زنان نیز می پردازد نمی گذارد که اشعارش منحصر به مدح و ستایش زنان باشد. حاذقه رفتار زنان و تنبلی شان را که به در قالب روح زن لطیف و مهربان است، نقد می کند:

ای دختر باکمال و باعلم و هنر و مطالعات فریبگی
ای نور دو چشم عزت و ناز پدر
بگذار جهالت، به معارف بازای
تا آن که شوی ز کیف آینده، خبر

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۲۰)

امروز که از علم و عمل خسته شوی
فردا چو یکی دختر دانسته شوی

از رنج و غم زمانه آزاد شوی
از طعنه خویش و آشنا رسته شوی
(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۲۵)

پروین نیز همانند حاذقه از پشت کردن به فضایل و علم و دانش، خودپرستی به جای خردورزی و تلاش نکردن برای کسب دانش را به شکل خشن تر از حاذقه انتقاد می‌کند. شرط برتری زنان و مردان را در شایستگی و لیاقت و نیز علم و دانش می‌داند.

خرد گشود چو مکتب، شدیم ما کودن
هنر چو کرد تجلی، شدیم ما پنهان
بساط اهرمن خودپرستی و سستی
گراز میان نرود، رفته ایم ما ز میان
(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۹)

ز آتش جهل، سوخت خرمن ما
گنه برق و آفتاب نبود
سال و مه رفت و ما همی خفتیم
خواب ما مرگ بود، خواب نبود
(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۷۲)

از زر و زیور چه سود آنجا که نادان است زن؟

زیور و زر، پرده پوش عیب نادانی نبود

عیب ها را جامه پرهیز پوشانده است و بس

جامه عجب و هوی بهتر ز عریانی نبود

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۹۱)

چه زن چه مرد، کسی شد بزرگ و کامرو

اکه داشت میوه ای از باغ علم در دامان

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۸)

معایب بی سوادى از دیدگاه حاذقه و پروین اعتصامی

از آنجاکه زنان اساس و پایه جامعه و خانواده هستند، نقش بسیار مهم و حیاتی در سلامت روانی جامعه و خانواده دارند. حاذقه با توجه به نقش اساسی زن در سلامتی، موفقیت یا شکست خانواده و جامعه و با توجه به نیازهای روانی، عاطفی، جسمانی و معنوی شان، تأثیر علم بر آنها را موضوع بحث قرار داده است. حاذقه زنان بی سواد را از لحاظ روحی و روانی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که انسان یک موجود اجتماعی است. پس زمانی که زن نتواند در جامعه حضور فعال داشته باشد، از شرایط و مشکلات جامعه اطلاع نمی یابد و تحولات و تغییرات جامعه و جهان را نمی شناسد. این باعث می شود زودتر با افسانه های خرافاتی هم داستان شود؛ از این رو تمام برتری را در آراستگی ظاهر، خوراک و پوشاک خواهد دانست. حاذقه با تمام جزئیات تأثیر بی سوادى زنان در زندگى مشترک و خانوادگى را به تصویر می کشد:

دختران اگر قید باشند مثل مادر می شوند

از نماز و روزه و حج و شهادت بی خبر

نهضت نسوان بود حتمی به خاک مملکت

زانکه نسوان است بی دانشی اندر سقر

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸، ۵۳)

زینت زن نبود غیر ادب چیز دیگر

انش آموز زنان، میل زیور نکنند

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸، ۴۰)

بیکاره زنان بدشکم بسیار است

از بدشکمی تا سحر بیدار است

با (چی بخورم) همیشه در جنگ جدل

در حفظ حیات خویشتن بیعار است

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸، ۳۱۶)

عاری از علم و ادب بوالهوس و بی معنا

لچر و حيله گر و پرخور و پرناز ادا

تنبل و جاهل و بی باصره و بی تقوا

جز به تزئین سروصورت خود نیست رسا

این چنین زن به بلاتا ابد باد دچار غم

این طایفه خوردن بود از عقل فرار

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۷۱)

مردی که شود خانم نادان زن او
آلوده شود به گندگی دامن او

بی‌آب و شرف شود به مخلوق خدا
گلخن شد از جفای او مسکن او

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۲۴)

مردی که زنش لایق و دانا نبود
دانسته و هوشمند و خوانا نبود
باشد به میان آتش نار سقر
در خانه او به غیر غوغا، نبود

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۱۸)

مرد که بخیل و سخت نادان باشد
با دوش زن عاقله تاوان باشد

آن خانه بود به زن به مثل شب تار
محبوس به آن گوشه زندان باشد

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۱۹)

مرد وزن هردوی شأن جاهل و هم‌کاسه گدا

مرد بیکاره، زنش مثل وی از علم، جدا

لیک در معرکه یاوه سرایی دانا

روز تا شام به جنگ و جدل و غوغا

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۲۷۱)

پروین با آن جزئیاتی که حاذقه در مورد بی سوادى زنان و تأثیر آن در جامعه و خانواده پرداخته، شعر نسوده است. اما او با توجه به علم و دانش، نقش مادر و تأثیر مهم وی در تعلیم و تربیت فرزندان را در شعرش پررنگ کرده است. او زن را نخستین مربی و معلم انسان دانسته است. بزرگی و والایی شخصیت‌هایی که مشهور شده‌اند، نمودار بزرگی زنانی است که آنان را پروده‌اند. پس چگونه از جامعه‌ای که زنان آن‌ها بی سواد و نادان و جاهل است فرزندان سالم و جامعه سالم می‌توان توقع داشت؛ چنانکه در شعرش بیان می‌کند:

حدیث مهر، کجا خواند طفل بی مادر؟

نظام و امن، کجا یافت ملک بی سلطان؟

(اعتصامی، ۱۳۸۸:۳۳۷)

اگر رفوی زنان نکو نبود، نداشت

به جز گسیختگی جامه مردان

(اعتصامی، ۱۳۸۸:۳۳۸)

چو آب و رنگ فضلیت به چهره نیست چه سود

ز رنگ جامه زربفت و زیوررخشان؟

برای گردن و دست زن نکو، پروین

سزاست گوهر دانش، نه گوهر آلوان

(اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۳۷)

اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ

بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

به گوه‌اره مادر، به کودکی بس خفت

سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه

شدند یک سره شاگرد این دبیرستان

(اعتصامی، ۱۳۸۸، ۳۳۷)

نتیجه

حاذقه هروی و پروین اعتصامی دو شاعر فارسی‌زبان افغانستانی و ایرانی بودند. هر دو در بازه زمانی نزدیک به هم اما در جامعه و فرهنگ‌های متفاوت زیستند. با توجه به اشعار این دو شاعر، تفاوت‌ها و تشابهاتی درباره آموزش زنان دیده می‌شود. جامعه، فرهنگ و خانواده این دو شاعر تفاوت‌ها و تشابهاتی را در آثار آن‌ها پدید آورده است. چنان‌که پروین اعتصامی برعکس حاذقه هروی، در جامعه و خانواده آگاه و مرفه زیست و اشعارش ادبی‌تر و علمی‌تر است. اما حاذقه هروی دختر یک دهقان بود و در جامعه‌ای بزرگ شد که نابرابری جنسیتی، اقتصادی و فرهنگی داد می‌زد. حاذقه

دانش و سواد را در علوم مختلف و ادب فارسی با تلاش خود کسب کرده بود و مانند پروین اعتصامی اساتید بزرگ نداشت. این باعث شد بهتر از پروین از مشکلات و دغدغه‌های مردم عامه آگاه باشد و با جزئیات به توصیف و بیان آن‌ها بپردازد. شعر پروین در مقایسه با شعر حاذقه بیشتر در مباحث انتزاعی و مفاهیم اخلاقی سیر می‌کند، درحالی‌که بیشتر موضوعات شعر حاذقه مسائل عینی جامعه است. حاذقه بی‌پرده و با صراحت لهجه از ظلم و استبداد جامعه و مردم جامعه خود انتقاد کرده است. شاید مهم‌ترین تفاوت شعر حاذقه با شعر پروین در مورد آموزش زنان، حجم اشعاری باشد که حاذقه با جزئیات و به صورت عینی بیان می‌کند. درحالی‌که پروین در چند شعر به این مسئله پرداخته است، حاذقه اشعار زیادی در مورد انواع آموزش، مشکلات بی‌سوادی، تبعات آن و مزایای باسواد شدن زنان و منافع آن برای جامعه سروده است.

می‌توان گفت افزون بر تفاوت‌ها، شباهت‌هایی نیز در شعر این شاعر وجود دارد. از آن جمله می‌توان گفت اشعار هر دو اجتماعی است و دغدغه‌های اصلی‌شان زنان و مشکلات زنان و آموزش زنان بوده است. احساسات و ادراکات زنانه هر دو با زندگی و مشکلات بانوان درهم آمیخته و توانسته از احوالات زنان و دردها و رنج‌های آنان سخن گوید و فقر و محرومیت علمی و تربیتی را بیان کرده و رفع آن را منوط به آگاهی زنان و مردان دانسته‌اند که فقط با آموزش محقق می‌شود. هر دو بر این عقیده بودند که اگر زنان در جامعه بتوانند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی که خداوند برای همه انسان‌ها به طور یکسان در نظر گرفته دست یابند، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد و محیط خانواده گرم‌تر، باصفاتر و جامعه رو به توسعه علمی گام برخواهد داشت، چراکه هیئت اجتماع از خانواده تشکیل شده و زن اساس خانواده را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین برای ترقی یا انحطاط ملت و خانواده، زن مؤثرترین عامل به حساب می‌آید. اگر مادر توانا نباشد، فرزند شایسته به بار نمی‌آورد و محال است آن جامعه دارای

رجال شایسته شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اسعدی فیروزآبادی، مریم السادات. (۱۳۹۲). «خانواده و مناسبات خانوادگی در دیوان پروین اعتصامی». فصلنامه علمی پژوهش زن و فرهنگ. شماره ۱۷. ۲۱-۴۰
۳. اعتصامی، پروین. (۱۳۸۸). دیوان پروین اعتصامی. قم: انسانکده.
۴. انوشه، حسن (۱۳۷۸). دانشنامه ادب فارسی، ج ۳. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام: سازمان چاپ و انتشارات.
۵. جاوید، دین محمد. (۱۳۸۱). زن در تاریخ افغانستان. کابل: بی نا
۶. جعفری، زهره، نصرتی، عبدالله. (۱۳۹۴). مقایسه ارزش ها در اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی. بهارستان سخن (فصلنامه علمی و پژوهشی ادبیات فارسی). شماره ۲۸.
۷. حاذقه هروی، کشور. (۱۳۸۹). دیوان حاذقه هروی. عفت مستشارنیا، تهران: امید رهاوی
۸. ذلفقاری، ابوالفضل، میرزایی، مسلم (۱۳۹۰). نابرابری های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه پروین اعتصامی. زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان). شماره ۳. ۱۹-۳۵.
۹. سادات حسینی، مهناز. (۱۳۹۴). جنسیت در شعر پروین اعتصامی. فصلنامه علمی و پژوهشی زن و فرهنگ. شماره ۲۶. ۵۵-۶۴.
۱۰. السادات میرهادی، منیر. (۱۳۹۳). تجدید نظرطلبی در جایگاه زن: تجلی اندیشه مشروط خواهانه اعتصام الملک در اشعار پروین اعتصامی. مطالعات تاریخ اسلام. شماره ۲۱.
۱۱. سید رضایی، طاهره. (۱۳۸۹). زن در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد. مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلام، واحد فسا. شماره ۱.
۱۲. سیفی، محسن، اسدی پور، علی، اسماعیلی، سجاد. (۱۳۹۳). نقد تطبیقی آزادی زنان در اشعار سعاد الصباح و سیمین بهبهانی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. شماره ۴۱. ۲۲-۵۵.
۱۳. شادمانی شاه حسینی، مهری. (۱۳۸۴). زنان شاعر پارسی گوی؛ هفت شهر عشق. تهران:

مدبر.

۱۴. صادقی گیوی. مریم، پرهیزکاری، بهاره. (۱۳۸۹). تبیین مؤلفه‌های هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی. فصلنامه علمی و پژوهشی (پژوهش زبان و ادبیات فارسی). شماره ۲۰. ۲۰۷-۲۲۷.

۱۵. عطا. (۱۳۶۵). زنان سخنسرا در پویه ادب دری. کابل: مطبعه دولتی

۱۶. غبار، میر غلام محمد. (۱۳۷۸). افغانستان در مسیر تاریخ، ج دوم. ایالات متحده امریکا: مرکز نشراتی میوند- سبا کتابخانه.

۱۷. کامگار، جمیل الرحمن. (۱۳۸۲). تاریخ معارف افغانستان. کابل: انتشارات میدند.

۱۸. محسنی (حکمت)، محمد آصف. (۱۳۹۰). زنان در افغانستان «فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها». قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۱۹. مرادی، فاطمه، سمیع زاده، رضا. (۱۳۹۲). ضرورت تعلیم و تربیت زنان در اندیشه پروین اعتصامی و قاسم امین مصری، مطالعات ادبیات تطبیقی. شماره ۱۰۱-۱۲۶.

۲۰. مشیرسلیمی، علی اکبر. (۱۳۳۷). زنان سخنور از یک‌هزار سال پیش تا امروز که بزبان پارسی سخن گفته اند. ج سوم، تهران: مطبوعاتی علی اکبر علمی.

۲۱. موسوی، دکتر سید علی. (۱۳۸۸). تاریخ تحلیلی افغانستان از ظاهرشاه تا کرسی. بی‌جا.

۲۲. میرشاهی، مسعود. (۱۳۷۹). شعر زنان در افغانستان. پاریس: خاوران.

۲۳. ناصری داوودی، عبدالمجید. (۱۳۷۹). زمینه و پیشینه جنبش اصلاحی در افغانستان. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۴. هدایت، محمود. (۱۳۵۳). گلزار جاویدان، ج ۱. تهران: زیبا.